

بررسی جریان‌های فرهنگی - مذهبی در سودان با تأکید بر آسیب‌شناسی دیپلماسی فرهنگی ایران در این کشور

(صفحات ۷۷ تا ۱۱۳)

مصطفی قاسمی^۱ * محمد علی بصیری^۲ * عنایت الله یزدانی^۳

پذیرش: ۹۴/۲/۱

دریافت: ۹۴/۱/۱۴

چکیده

یکی از مهم‌ترین سازوکارها و ابزار تأمین هدف سیاست خارجی جمهوری اسلامی که بر گسترش فرهنگ ایرانی-اسلامی و الهام‌بخشی بر سایر جوامع مبتنا دارد، تدوین و اعمال دیپلماسی فرهنگی کارآمد است. اهمیت این مسئله در کشور سودان به‌عنوان یکی از کشورهای دارای بیشترین حد مسامحه در مواجهه با جریان‌های صوفیگری و تعالیم صوفیه است، اهمیت مضاعف دارد. طریقت‌های صوفیان سودان که ریشه شیعی دارند، در حفظ آیین‌های تشیع نیز بسیار مؤثر بوده‌اند، به طوری که در هنگام بررسی فرهنگ شیعی

m.ghasemi @ yahoo.com

basiri@ase.ui.ac.ir

yazden2006@yahoo.com

۱. دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان

۲. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان؛ (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.

در سودان باید تصوف را نیز مطالعه کرد، بنابراین به لحاظ فرهنگی و مذهبی می‌توان انتظار بزرگ‌ترین دستاوردها را در آنجا داشت. علی‌رغم وجود دو جریان ریشه‌دار فکری، فرهنگی تصوف و تشیع در سودان، فعالیت وهابی‌ها، در دوران اخیر تهدیدی جدی برای این دو جریان است. آسیب‌شناسی دیپلماسی فرهنگی ایران در سودان می‌تواند زمینه‌ساز توسعه روابط فرهنگی و مقابله با تهدیدات پیش رو در روابط بین دو کشور باشد.

این مقاله در پی توضیح و تبیین جریان‌های فرهنگی، مذهبی در سودان به منظور شناسایی فرصت‌ها و آسیب‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در این کشور است. هدف اصلی پاسخگویی به این پرسش اساسی است که در راستای هدف یاد شده، چه جریان‌های فرهنگی مذهبی در سودان وجود دارند؟ فرضیه این مقاله آن است که سه جریان مهم فرهنگی-مذهبی تصوف، تشیع، و وهابیت را می‌توان در سودان مشاهده کرد. در این مقاله با روش توصیفی، تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای در پی پاسخ به سؤال اصلی خواهیم بود.

واژگان کلیدی: تصوف، تشیع، وهابیت، سودان، جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی فرهنگی و آسیب‌شناسی

مقدمه

سودان کشوری در شمال شرقی آفریقا به پایتختی خارطوم است. غالب جامعه سودان سنتی و مسلمان هستند. این کشور کانون تصوف و مرکز انتشار آیین‌های صوفیانه در آفریقا بوده است. صوفیگری جریان مذهبی بسیار قوی است که فرهنگ و تمدن سودان را شکل داده است (Furcoi & Naib, 2015). مردم سودان دارای شهرت بسیاری در حفظ و آموزش قرآن کریم هستند. نزدیک نود و پنج درصد از نشر فرهنگ قرآن و مفاهیم اسلامی بر اثر زحمات و فعالیت‌های مستمر صوفیان شکل گرفته و همچنان ادامه دارد. علاوه بر این، مردم سودان بسیار دیندار و دوستدار اهل بیت (ع) بوده و به دلیل نفوذ فراوان فرهنگ مهدویت در این کشور، حقیقت‌گراتر هستند.

با توجه به حضور این جریانات در کشور سودان، شناخت از آنها برای رفع نقاط ضعف و تقویت تصوف و از طرفی داشتن برنامه برای مقابله با تهدیدات وهابیت علیه فرهنگ تصوف و تشیع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این مقاله به بررسی سه جریان عمده فرهنگی مذهبی کشور سودان یعنی تصوف، تشیع و وهابیت خواهیم پرداخت و در ادامه با آسیب‌شناسی فرهنگی ایران در سودان، پیشنهادات و راهکارهایی را برای توسعه دیپلماسی فرهنگی ایران در سودان ارائه خواهیم کرد.

۱. قدرت نرم

کسب و تولید قدرت در دنیای جدید در مقایسه با دوران قبل، از الگوهای متفاوتی پیروی می‌کند و با تحولاتی که بعد از جنگ جهانی دوم به ویژه دهه هفتاد به بعد در ساحت اندیشه و عمل به وجود آمد، به نوعی متغیرهای جدید را جهت تولید، اعمال قدرت و کسب نفوذ وارد حوزه سیاست بین‌الملل کرد و این عرصه را به شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی و هویتی قرار داد که از آن به قدرت نرم یاد می‌شود.

قدرت نرم توانایی به دست آوردن چیزی است که می‌خواهیم با جذب و اقناع سایرین جهت تحقق اهداف خود کسب کنیم. قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت از خود، تأثیرگذاری همراه با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع خود کردن و مؤلفه‌های نظیر آن است. قدرت نرم عبارت است از: توانایی کسب

مطلوب مقصود و هدف از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار یا تطمیع است. قدرت نرم از جذابیت فرهنگی، ایده‌آل‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌شود (نای، ۱۳۸۷: ۸۳). بنابراین می‌توان گفت: قدرت نرم، توانایی شکل دهی به ترجیحات دیگران است و جنس آن از نوع اقناع است، در حالی که چهره زمخت و سخت قدرت از نوع وادار و اجبار کردن است. جوزف نای بر این عقیده است که قدرت نرم، توجه ویژه‌ای به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند (اطلاعات و دانایی) را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه‌ای ترسیم کند که از آنها امتیاز گیرد (همان: ۱۰).

نای معتقد است: اگر بازیگری، اهداف بازیگر دیگر را مشروع تلقی کند، نیازی به اجبار نیست. این اصل، مبنای قدرت نرم را به وجود می‌آورد. بنا به نظر نای، قدرت نرم توانایی حصول اهداف ملی از طریق جذابیت است. این کار از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و سیاست‌ها صورت می‌گیرد. زمانی که سیاست‌های یک بازیگر در چشم دیگران مشروع باشد، قدرت نرم آن بازیگر فزونی یافته است.

در سطح کلان و در عرصه بین‌المللی، قدرت نرم بر مبنای فرهنگ و چگونگی رفتار با هر کشور در سطح بین‌المللی و در واقع ایجاد حس مشروعیت برای اهداف بین‌المللی یک کشور در نظام بین‌الملل است. از این رو، از منابع قدرت نرم، فرهنگ، سیاست خارجی و شیوه اعمال آن است. بنابراین چنانچه سیاست خارجی یک کشور بتواند با بهره‌گیری از فرهنگ جذاب برای ملت‌ها باعث ترویج ارزش‌های مطلوب خویش در نظام بین‌الملل شود، الگوهای رفتاری و تعهدات سیاسی را بدون اجبار در سطح کلان به نفع خود ایجاد می‌کند (قوام، ۱۳۸۴: ۲۹۱).

فریزر در کتاب تسلیحات اختلال جمعی^۱ معتقد است که قدرت نرم از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد. در این راستا، توأم ساختن دیپلماسی با روابط فرهنگی گسترده موجب تولید قدرت نرم می‌شود، چراکه زبان فرهنگ، زبان ملایمی است که می‌تواند روابط رسمی را با تفاهم، زنده و پایدار نگه دارد. روابط میان کشورها چنانچه به حوزه

1. Weapons of mass disorder

فرهنگ تسری یابد، پیوندهای گسترده‌تری را میان ملت‌ها ایجاد می‌کند که به راحتی گسستی نیست (Fraster, 2005).

۱-۱. مزایای دیپلماسی فرهنگی

استفاده از فرهنگ و به خدمت گرفتن ابزارهای فرهنگی در دیپلماسی در مقایسه با سایر ابزارها و اهرم‌های رایج در روابط بین‌الملل دارای مزایای بسیاری است که مهم‌ترین آنها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. مواجه شدن با مقاومت کمتر در جوامع و کشورهای مقصد از کلیدی‌ترین مزایای دیپلماسی فرهنگی محسوب می‌شود. از آنجا که فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در بسیاری از موارد ضمیر ناخودآگاه مخاطبان خود را هدف قرار می‌دهد و با لطافت و ظرافت غیرمشهودی بر لایه‌های عمیق اذهان ایشان تأثیر می‌گذارد، در مقایسه با سایر ابزارهای شایع در دیپلماسی، دیپلماسی فرهنگی با سهولت بیشتری در لایه‌های زیرین جامعه و با عمق بیشتری رسوخ می‌کند و بر جای می‌ماند.

۲. عاری بودن دیپلماسی فرهنگی از لحنی خصمانه و آمرانه در کنار جذابیت بیشتر و «نامحسوس بودن اعمال آن» و در نتیجه، هدف قرار دادن ذهن و روح مخاطبان خود از دیگر مزایای آن است.

۳. در دیپلماسی فرهنگی فرصت بهتری برای حضور جدی‌تر و مجال بیشتری برای ایفای نقش مؤثرتر توسط بازیگران غیررسمی، نهادهای مدنی و اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی مهیا می‌شود و این به نوبه خود بر گستره حوزه مانور و دامنه تأثیرگذاری دیپلماسی فرهنگی در مقایسه با دیپلماسی کلاسیک سنتی می‌افزاید.

۴. دیپلماسی فرهنگی بیشتر به دنبال کشف، تعریف و ترویج ارزش‌ها و منافع مشترک و جهان‌شمول و سپس، تأمین منافع ملی در چارچوب این ارزش‌ها و منافع مشترک است.

۵. دیپلماسی فرهنگی می‌تواند به منزله فتح بابی برای مفاهیم بیشتر و بهتر میان کشورها به کار گرفته شود و به مرور زمان، منجر به پایه‌ریزی روابط عمیق و پایدار فرهنگی میان کشورها شود و این تعمیق، حتی می‌تواند به حوزه‌های سیاسی و امنیتی هم تسری یابد.

۶. دیپلماسی فرهنگی می‌تواند خلاقانه‌تر، انعطاف‌پذیرتر و حتی فرصت‌طلبانه‌تر از دیپلماسی کلاسیک و سنتی در بسیاری از حوزه‌ها طراحی و اجرا شود. بنابراین دیپلماسی فرهنگی می‌تواند عرصه ظهور همه ظرفیت‌های بالقوه و قابلیت‌های تاریخی، علمی و هنری یک کشور در حوزه‌هایی از قبیل ادبیات، شعر، سینما، موسیقی و سایر زیرشاخه‌های فرهنگ و هنر شود (خانی، ۱۳۸۲: ۱۳۸). در مجموع دیپلماسی فرهنگی به کشورها اجازه می‌دهد که با استناد به عناصر کلیدی و نفوذ دولت‌های خود به طور مستقیم با مخاطبان خارجی، به انضمام مردم معمولی و رهبران افکار، در ارتباط باشند. این رویکرد می‌تواند به نتایج متنوع و نامحدودی منتهی شود. دیپلماسی فرهنگی علاوه بر اینکه موجب آشنایی مردم با کشور دیگری می‌شود، با خلق ادراک مثبت نسبت به آن، قابلیت فهم، تصدیق و رعایت آداب و رسوم و سیاست‌ها را نیز بالا می‌برد.

در این باره می‌توان گفت: نفوذ بر روی توده‌ها، به منظور فراهم آوردن فشار مؤثر بر دولت‌های آنها جنبه‌ای از دیپلماسی فرهنگی است. همچنین دیپلماسی فرهنگی به کشور اجازه می‌دهد تا موافقت یا حمایت مشترک را به وسیله تغییر شکل خواسته‌های بخش‌های اصلی از جمعیت خود به دست آورد. بنابراین اعمال نفوذ دیپلماسی فرهنگی بیشتر بر روی تک تک مردم است تا جامعه، از این رو کشورهای قدرتمند از آن به عنوان ابزار اصلی خود در اعمال قدرت نرم استفاده می‌کنند تا بتوانند به تداوم نقش مؤثر خود در عرصه بین‌المللی تداوم ببخشند. در این صورت از طریق نفوذ حاصل از برقراری روابط فرهنگی با عموم افراد یک جامعه از طریق ارتباطات کنونی و رسانه‌ها، بر تصویر آن کشور در عرصه خارجی تأثیر می‌گذارد که از این طریق، رضایتمندی و حتی همکاری‌های داوطلبانه در خارج از مرزها برای آن کشور فراهم می‌گردد (خرازی، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

۲-۱. روش‌ها و سازوکارها

روش‌ها و سازوکارهایی را که به وسیله و در پرتو آنها می‌توان از فرهنگ و قابلیت‌های فرهنگی در خدمت دیپلماسی بهره‌برداری کرد، می‌توان در چارچوب زیر دسته‌بندی کرد:

۱. برجسته کردن نقش و تأثیر فرهیختگان و دانشمندان تاریخ گذشته و معاصر کشور متبوع در پیشرفت علم و ادب در سطح جهان و استفاده از شهرت، محبوبیت و موقعیت آنها برای اهداف راهبردی دیپلماسی فرهنگی؛
۲. استفاده از ظرفیت‌های نهفته در زبان و ادبیات کشور و ترویج آن از طریق تأسیس رشته زبان و ادبیات کشور متبوع در دانشگاه‌های مهم جهان و نیز اعطای بورس‌های منظم و مستمر تحصیلی در سطوح عالی کارشناسی ارشد و دکتری به منظور اشاعه فرهنگ و زبان کشور در سطح جهان؛
۳. حضور مؤثر در مجامع و همایش‌های بین‌المللی در کنار شرکت فعال در رخدادها و جشنواره‌های هنری و ورزشی بین‌المللی و نیز برگزاری منظم نمایشگاه‌ها، گردهمایی‌ها، کارگاه‌ها و همایش‌های فرهنگی در کشور مقصد؛
۴. تأکید ویژه بر ارائه آموزش‌های خاص فرهنگی به دیپلمات‌ها و تربیت دیپلمات‌هایی فرهیخته و آشنا با نقاط قوت و ظرایف فرهنگی هر دو کشور مبدأ و مقصد؛
۵. کمک به راه‌اندازی مراکز کشورشناسی (ایران‌شناسی و...) و ایجاد این کرسی در دانشگاه‌های معتبر جهان در کنار ارائه فرصت‌های مطالعاتی کوتاه‌مدت به کارشناسان دانشگاهی و علاقه‌مندان به فرهنگ و ادب کشور متبوع با هدف جذب نخبگان و اصحاب فکر و اندیشه از کشورهای مقصد (خانی، پیشین: ۱۳۹).
۶. ایدئولوژی و مذهب نیز از دیگر روش‌های گسترش دیپلماسی فرهنگی است. نای نیز در تدوین نظریه قدرت نرم، جایگاه خاصی برای فرهنگ در نظر گرفته و به همین ترتیب تأکید بسیار بر ایدئولوژی و مذهب دارد (کبریایی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱). تأکید این مقاله نیز بر جریان‌های فرهنگی مذهبی در سودان به‌عنوان بستر دیپلماسی فرهنگی ایران در سودان است.

۲. اهمیت و جایگاه سودان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

نظام حاکم بر سودان، نظامی اسلام‌گرا بوده و از نظر ایدئولوژی، کشوری تأثیرگذار بوده است. حکومت کنونی سودان که در پی اتحاد نظامی‌های مسلمان به رهبری

عمرالبشیر و جبهه قومی اسلامی جدا شده از اخوان المسلمین به رهبری «دکتر ترابی» حکومت را به دست گرفت، تکیه بر اسلام را اساس کار خود قرار داد. سودان از مهم‌ترین کشورهای اسلامی است که از انقلاب اسلامی ایران متأثر شده است. صادق المهدی درباره تأثیر انقلاب اسلامی بر سودان می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران بر مردم سودان تأثیر عمیقی داشته است. آنان بسیاری از پدیده‌های تاریخی خود را در انقلاب ایران یافته‌اند. مردم سودان در انقلاب اسلامی ایران یک بعثت جدید را می‌یابند. در سودان عده‌ای بودند که اسلام را به‌عنوان یک راه‌حل برای مشکلات نمی‌پذیرفتند، آنها متعقد بودند که راه‌حل‌ها از طریق ناسیونالیسم و با پیروی از افکار غربی به دست می‌آید. انقلاب ایران این افکار را به کلی دگرگون کرد و ثابت کرد که اسلام زنده و متحرک است و می‌تواند در مقابل امواج ایدئولوژیکی ایستادگی کند. اگرچه سودان مهد تصوف است و صوفیان به دوستداری زیاد اهل بیت پیامبر (ص) معروف هستند، سودانی‌ها پس از انقلاب اسلامی ایران با تشیع به‌صورت رسمی آشنا شدند» (حشمت زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

این کشور از کشورهای حامی مقاومت بوده و در راستای حمایت از جبهه مقاومت فلسطین، هزینه‌های زیادی را تا کنون پرداخت کرده است. سودان به دلیل موضع‌گیری‌های خود در راستای حمایت از فلسطین، در معرض تجاوز نظامی و محاصره اقتصادی و سیاسی مستمر خارجی بوده است.

سودان به لحاظ ژئوپلیتیک نیز یکی از کشورهای مهم در آفریقا است. این کشور از آن جهت که در حد فاصل دو قاره آسیا و آفریقا قرار دارد و نیز از مجاورت با دریای سرخ و موقعیت جغرافیایی خاصی برخوردار است، اهمیت استراتژیک ویژه‌ای دارد و بنابراین «دروازه آفریقا» نام گرفته است. در حال حاضر برای حضور ابرقدرت‌ها در منطقه آسیا، خاورمیانه، آفریقا و اقیانوس هند، دریای سرخ یکی از نزدیک‌ترین و باصرفه‌ترین راه‌های کنترل آبی است که اهمیت آن از نظر استراتژیکی در طول تاریخ در حوادث گوناگون به اثبات رسیده است. بنابراین کشور سودان که در کنار این دریا قرار دارد، به منزله سکوی پرش در منطقه آفریقا و خاورمیانه است و حضور در این سرزمین می‌تواند یک پایگاه مهم نظامی سیاسی و اقتصادی برای قدرت‌ها به حساب آید. به همین دلیل از روزی که سودان به استقلال رسید و جمهوری در این کشور

اعلام شد، همچنان سیاست‌های سلطه‌گرانه قدرت‌های استعمارگر اجازه نداده این کشور اسلامی آرامش واقعی را به دست آورد و در جهت رهایی از فقر و مشکلات سیاسی و فرهنگی موفق شود. همچنین این کشور در منطقه‌ای قرار گرفته است که از نظر غرب و از نظر امنیتی بسیار قابل تأمل است، چراکه درست آن سوی سواحل سودان، عظیم‌ترین بنادر و پایانه‌های نفتی عربستان واقع شده و قدرت‌های بزرگ در این منطقه حضور فعال نظامی و سیاسی و اقتصادی دارند (قادری، ۱۳۸۷: ۱۵).

اشتراک مواضع ایران و سودان در بسیاری از موارد و نوع تعامل این دو کشور با غرب، مواضع نزدیک و گاه یکسان دو کشور در بسیاری از تحولات و رویدادهای جهان، فشارهای مشابهی که از جانب غرب بر دو کشور وارد می‌شود و تحریم‌هایی که آمریکا بر ضد دو کشور اعمال کرده، از جمله مواضع مشترک دو کشور سودان و ایران است که اهمیت سودان را برای ایران دو چندان می‌کند. اشتراکات فرهنگی بین ایران و جامعه سودان از دیگر دلایل اهمیت سودان است. این منطقه پایگاه توسعه تصوف و نیز اسلام سیاسی تلقی می‌شود. مکاتب صوفیه نهادهای بسیار قوی در سودان هستند. سودان یکی از کشورهایی است که دارای بیشترین حد مسامحه در مواجهه با جریان‌های صوفیگری و تعالیم صوفیه است، به گونه‌ای که این پدیده از جایگاهی ریشه‌ای در میان بسیاری از مردم این کشور برخوردار است و صبغه عمومی روح مذهبی انسان سودانی رنگ عرفانی و صوفی دارد (احمد النور، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

رؤسای تصوف می‌گویند ده‌ها میلیون صوفی در این کشور و سایر کشورهای آفریقایی از آنها پیروی می‌کنند (Hassan, 2008: 4). بنا بر گزارشی، ۷۰ درصد مردم سودان پیرو فرقه‌های تصوف هستند (امیردهی، ۱۳۸۵: ۱۵۶). اشتراکان بین تصوف و تشیع از دیگر دلایل اهمیت سودان است. جلوه‌های دوستی اهل بیت (ع) به حدی در زندگی و ساختار فرهنگی سودان تنیده شده که جزئی از فرهنگ گسترده تصوف در این کشور شده است. در واقع آشنایی مردم سودان با اهل بیت (ع) نیز از طریق همین صوفیان بوده و می‌توان تأثیر و تعمیق محبت و ارادت صوفیان به اهل بیت را در پیروان نیز یافت. این مسئله نشان می‌دهد که طرز تلقی فرهنگ شیعی و صوفی از اسلام در بسیاری از زمینه‌ها مشترک و به هم نزدیک است. در این مقاله این مبحث مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳. جریان‌های فرهنگی، مذهبی در سودان

همان‌طور که در مدخل نظری عنوان شد، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های توسعه و گسترش دیپلماسی عمومی در یک کشور اشتراکات مذهبی و فرهنگی است که پایه گسترش روابط در سایر حوزه‌های می‌تواند قرار گیرد. سودان کشوری است که تصوف ریشه عمیقی در آن دارد. مشترکات بالای تصوف و فرهنگ شیعی این دو را کاملاً به هم نزدیک کرده است. جریان سومی که طی چند سال اخیر هدف خود را مقابله با دو جریان قبلی و انحراف در جوامع اسلامی قرار داده است، وهابیت است و تلاش‌های خود را در توسعه نفوذ خود و جایگزینی به جای جریانات مذکور در سودان دو چندان کرده است. در ادامه به بررسی سه جریان مذکور در سودان می‌پردازیم:

۳-۱. تصوف

اندیشه صوفیان از طریق ممالک و سرزمین‌های اسلامی مجاور وارد سودان شد و با گسترش همه‌جانبه، بسیاری از قبایل را تحت شعاع قرار داده است. شاید بتوان گفت که این مجاورت همراه با روحیه قبیله‌گرایی و گریز از ظاهر به باطن در عبادت و عواملی دیگر باعث پدید آمدن صوفی‌گرایی در سودان شده باشد. سودان یکی از کشورهای است که دارای بیشترین حد مسامحه در مواجهه با جریان‌های صوفیگری و تعالیم صوفیه می‌باشد، به گونه‌ای که این پدیده از جایگاهی ریشه‌ای در میان بسیاری از مردم این کشور برخوردار است و صبغه عمومی روح مذهبی انسان سودانی رنگ عرفانی و صوفی دارد. این سنت به قدری در میان خانواده‌های سودانی جا افتاده و مقبول است که در این مورد ضرب المثلی مشهور ساخته شده است و می‌گویند «من لاشیخ له فشیخه الشیطان» (هر کس که پیر و مرشدی نداشته باشد پیر و مرشد او شیطان است) و همچنین می‌گویند اگر خانواده‌ای را در سودان دیدید که شیخ ندارند، بدانید که سودانی نیستند. شیوع و توسعه این گرایش عامل مهمی در علاقمندی و ارادت مردم سودان به اهل بیت پیامبر (ع) محسوب می‌شود.

نگرش صوفیانه ابتدا با پیدایش دو فرقه تیجانیه و سمانیه در سودان گسترش یافت که هم‌اکنون هم پیروان بسیاری دارد و از نفوذ و تأثیر قابل توجهی در فرهنگ سودان

برخوردار است. در پی این دو گروه، فرقه‌های دیگری چون قادریه، مجذوبیه، ادرسیه، ختمیه (میرغنیه)، اسماعیلیه، مهدیه و هندیه پدید آمدند که از آنها به‌عنوان مهم‌ترین فرق صوفیه در سودان می‌توان یاد کرد. علاوه بر اینها، ذکر فرقه‌های دیگری چون مرزوقیه، عزمیه، دندراویه، احمدیه، برهانیه و تسعینه خالی از لطف نیست. به هر حال مسلمانان سودان عموماً تحت تأثیر صوفیه قرار دارند و در عقاید توحیدی به مذهب «اشعری» و در فقه به مذهب «مالکی» اعتقاد دارند (میرزامحمد، ۱۳۷۲: ۹۲). تشکیلات قدرتمند تصوف در سودان، حضوری دیرینه دارند و مراسم و آیین‌های ویژه خود را نیز برگزار می‌کنند.

در سودان طریقه‌ها جایگاه اصلی را اشغال کرده‌اند و طبق تحقیقات «تری مینگام»، هر مسلمان ساکن این سرزمین به یکی از فرقه‌های مذهبی تعلق دارد. طریقه‌ها در سودان تشکیلات سازمانی متمرکز یا غیر متمرکز دارند (Sudan History, 2013). «شیخ‌السجاده» بر مقدرات هر کدام حاکم است، وی وارث روحانی بنیان‌گذار طریقه است که معمولاً از میان اخلافش برگزیده می‌شود، مقام بعد از وی خلیفه نام دارد که به‌عنوان نماینده برای پذیرفتن پیروان پس از ورودشان به طریقه انتخاب می‌گردد. «وکیل» نیز شخصی است که بر منافع مادی و دنیوی پیروان نظارت دارد. نمازگزار در زمان‌های معین، شرکت در مجالس ذکر و دعا، مولودی‌خوانی و مدح به افتخار حضرت رسول اکرم (ص) از وظایف مذهبی افراد مطیع این طریقه‌هاست (گلی زواره، ۱۳۸۰: ۵۶).

صوفیان در سودان امروز دارای نقش و تأثیر بسیاری هستند. شماری از شیوخ صوفیه تحصیلات عالی از دانشگاه‌های معتبر دارند. مانند شیخ «حسن الفاتح قریب الله» که در لندن درس خوانده و تاکنون بیش از ۱۰۰ اثر تألیف کرده است. او در شکل‌گیری ادبیات جدید تصوف در سودان نقش بسزایی داشته است (سفینه النجاه للثقافه الاسلامی، ۲۰۰۹).

1. Trimingham
2. <http://www.worldtravelguide.net/sudan/history-language-culture>
3. <http://www.alsafinah.com/rabit/sudan/sofisim-and-its-efect.html>

۱-۱-۳. نقش تصوف در امور آموزشی و علمی

مشایخ طرق صوفیه از زمان ورود به سودان به آموزش قرآن پرداختند و با برپا داشتن حلقه‌های آتش در صحرای تاریک، ضمن نورانی کردن آن مناطق، حلقه‌های قرآنی را ایجاد کردند و هیچ «مسیدی»^۱ را به وجود نیاوردند، مگر آنکه حفظ قرآن در آن الزامی بود. مسید مرکز تبلیغاتی و ارتباطی صوفی بود. در فعالیت‌های نصاری و مسیحیت در مؤسسات فرهنگی و تربیتی، به اعتبار شخصیت عابد آن، مؤسسه به المناشیب یا القلالی یا الصوامع تقسیم می‌شد. ولی مشایخ طرق صوفیه، مسید را بر مکانی اطلاق می‌کردند که عابد صوفی شب‌ها در آن به تهجد نشسته و روزها در پی تربیت مریدان است. در مفهومی دیگر، مسید مؤسسه‌ای تربیتی است که عابد صوفی علاوه بر تلاش‌های کمال جویانه و فردی خود، مریدانش را نیز در این مسیر هدایت می‌کند تا بتوانند با صبوری بر مشکلات فایز آیند. مسید معمولاً در اماکن دوردست و برای برپایی فعالیت‌های مختلف دینی و مبارزه با مسیحیت و وهابیت ساخته می‌شد (Essien & Falola, 2009: 78).

نظام آموزشی نزد مشایخ طرق صوفیه در سودان نیازمند تأمین شرایطی بود و بدین منظور شیخ به مرید خود روش‌های تعاون و همکاری و اعتماد به نفس و مشارکت در امور آموزشی را می‌آموخت و از آن پس بود که مرید، خود را در زندگانی فردی و عمومی وقف شیخ می‌کرد و او را بزرگ می‌داشت و در نمازها به وی اقتدا می‌کرد و در حلقه‌های ذکر و مدح پیامبر (ص) شرکت می‌کرد. مشایخ در کنار مریدان با همسایگان و مردم نیز پیوندی برقرار کرده و با آنان به امر کشاورزی می‌پرداختند و پزشکی سنتی را آموزش می‌دادند و راه مبارزه با وسوسه‌های شیاطین و ساخت مساجد و منازل و مساید و آداب آن را به مردم می‌آموختند (Tully, 2009: 48).

«خلوه» دیگر مکان آموزشی بود که با توجه به ساده بودن ساختار آن به سرعت مورد پذیرش و تقلید واقع شد. کلمه خلوه به معنی گوشه‌گیری و وحدت است. از نظر متصوفه، این لغت به معنای مناجات پنهانی بنده به درگاه خداوند است و از طرف دیگر این کلمه مترادف مدرسه نیز استعمال شده و در بعضی از ممالک اسلامی این کلمه عبارت است از اتاق‌های کوچکی که در جوار مسجد جهت سکونت طلبه‌ها احداث

۱. واژه مغربی که مصدر آن مسد، به معنای آداب سیر و سلوک و مکانی برای تعلیم و تربیت است.

شده است. خلوه عبارت است از مکان تدریس اولین مرحله تعلیمات عمومی که مطابق با مدارس جدید است (مدرسه ابتدایی) و یا به‌مثابه مکانی است جهت مبارزه با بی‌سوادی که در آن سعی و تلاش برای آموزش علوم اسلامی که امروزه در مراکز آموزشی در سطوح مختلف تدریس می‌شود و در آن مدارک در سطح تحصیلات عالی اعطا می‌گردد.

اهداف آموزش در خلوه‌ها آموزش خواندن و نوشتن، قرائت و تعلیم قرآن از طریق شنیدن، آشنایی با علوم قرآنی، حدیث و تفسیر، تعلیم علوم شرعی که از اهم هدف‌های خلوه‌هاست، اما اهداف فرعی دیگری نظیر مدنظر است: تقرب به شیخ خلوه به‌عنوان مراد، سرگرم کردن اطفال به نحو مطلوب در عوض اتلاف وقت، خلاوی‌ها تا حدودی نیاز جامعه در مورد آموزش و تعلیم اسلامی را پاسخگو می‌باشند و نظام اداری آنها نیز تقریباً ثابت است. خلاوی نقش مهمی را در زمینه نشر فرهنگ و معارف اسلامی و قرآنی و عربی بازی می‌کنند. بدین سبب نظام آموزشی اصلی در سودان هستند و اختصاص به تعلیم قرآن، تدریس اصول و فقه، تجوید، ادبیات عرب و تصوف دارند و از سوی دیگر سعی بر حفظ شعائر اسلامی و وحدت سودان تحت لوای اسلام را دارند (احمد النور، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

ساختن خانه‌ها در کنار مسیدها و خلاوی و مساجد از ویژگی‌های آموزش تصوف اسلامی در سودان بود. خوابگاه‌های طلاب که به تکیه معروفند زمینه تشویق بیشتری برای تحصیل را نزد مریدان فراهم آورده بود. نوع و تکثیر این اماکن آموزشی در سودان موجب شد مردمان بسیاری از اطراف و اکناف حتی کشورهای آفریقایی هم‌جوار برای تأمین نیازهای آموزشی و حداقل خوراک و پوشاک به سوی آنها سرازیر شوند و به گرمی نیز مورد استقبال مشایخ قرار می‌گرفتند و این خود سبب ترویج اسلام می‌شد. گاهی خلوه‌ها به قدری مملو از جمعیت می‌شد که شیخ مجبور بود لوح کتابت قرآن را که از تنه درختان و برای نوشتن آیات تهیه شده بود از طلبه‌ای گرفته و به دیگری واگذار کند (رمضانی گل‌افزایی، ۱۳۹۰: ۷۸).

برخی از این طرق صوفیه همچون نقش طریقه سمانیه، علاوه بر موارد متعارف طریقت‌ها، در مبارزه با بی‌سوادی زنان و مردان، ایجاد کتابخانه‌ها، برگزاری میزگردهای علمی و دینی و شب‌های شعر دینی فعال هستند. راه‌اندازی درمانگاه‌ها،

مسجد و خلوه و حوزه‌های علمیه و مدارس و مهد کودک‌ها و برگزاری مناسبت‌های دینی و تعظیم شعائر الهی و حوله‌ها (مراسم سالروز شیخ طریقه که در آن از تمام مناطق سودان حضور می‌یابند و همه شرکت کنندگان را به صرف شام دعوت می‌کنند) از دیگر فعالیت‌های طریقه به‌شمار می‌رود (همان: ۱۰۰). با توجه به اینکه آموزش نقش مهمی در آموزه‌های تصوف در سودان دارد، می‌تواند بستر بسیار مناسبی برای نفوذ و گسترش دیپلماسی فرهنگی ایران در جامعه سودان قرار گیرد. این مسئله وقتی اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند که این احساس نیاز با بهره‌گیری از آموزش‌های مناسب و به‌روز از سوی طرق تصوف در سودان کاملاً وجود دارد.

۲-۱-۳. تأثیرات سیاسی تصوف در سودان

تصوف در دعوای سیاسی سودان جزئی از جنبش ترمذ سیاسی این کشور محسوب می‌شود که البته در بازگشتی تاریخی و به‌باور رهبران صوفیه سودان ریشه در آموزه‌های سیاسی این جریان در دوه عباسیان دارد. اما امروز در تغییر رویکردی قابل ملاحظه در استراتژی سیاسی حاکمیت این کشور، شاهد آن هستیم که تعامل شایسته حکومت با این جریان توانسته است کنش و واکنش متفاوتی را در این بخش از قاره سیاه به وجود آورد.

طریقت‌های تصوف به‌عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از مؤلفه هویت بخش مردم سودان است، امروزه دارای تأثیرات اجتماعی و سیاسی بسیاری در این کشور است که به شیوه‌ای جهت‌دار و با حضور هزاران نفری خود در میدان‌های سیاسی و مذهبی در سودان در تعیین حاکمیت سیاسی این کشور نقشی مؤثر ایفا می‌کنند. برخی از شیوخ صوفی در هیئت حاکمه نقش فعالی دارند. از آن جمله شیخ «کمال عمر» است که در دولت جعفر نمیری شخص سوم مملکت بود. هم‌اکنون نیز صوفیان در اداره کشور نقش زیادی دارند و حتی مسئولان کشوری در سخنرانی‌های صوفیان حاضر شده یا از آنها مشاوره مستقیم می‌گیرند (سفینه النجاه للثقافه الاسلامی، ۲۰۰۹). به‌طور مثال در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۰ شاهد بودیم که چگونه نظرات شیوخ صوفیه در آرای انتخاباتی مردم سودان مؤثر بوده است. از این رو در این انتخابات، به‌ویژه انتخابات پارلمانی، بسیاری از نامزدها به محافل صوفیه رفتند تا بتوانند آرای این بخش

تعیین‌کننده از جامعه سودان را به دست آورند (عشوری مقدم، ۱۳۸۹). از مهم‌ترین طریقت‌های مؤثر در سیاست در سودان طریقت ختمیه است. بنیان‌گذار این طایفه، سید محمد عثمان الختم از نوادگان امام حسین بن علی (ع) است. این طریقه به دلیل لقب مؤسس آن، سید محمد عثمان بن ابی بکر بن عبدالله المحجوب ملقب به ختم که در سال ۱۲۰۸ هـ در طائف متولد شده بود، ختمیه نامیده شد (امیردهی، ۱۳۸۵: ۱۵۷). مهم‌ترین آموزه‌های اندیشگی این طایفه، باور به ولایت امامانی از نسل پیامبر (ص) و قیام آخرینشان و اینکه هنگامی که هر انسانی به گمراهی می‌افتد، آنان پاک و بی‌گناه باقی می‌مانند. آنان به تأویل آیات قرآن باور دارند و مقصود خداوند از حبل‌الله در قرآن کریم را همان اهل بیت (ع) می‌دانند. آنان بر اساس حدیث غدیر، علی (ع) را صاحب ولایت می‌دانند. اعضای این طریقت در مسائل سیاسی فعال هستند. در حال حاضر گروه ختمیه به رهبری «محمد عثمان میرغنی» که با عنوان «حزب اتحاد دموکراتیک» ظهور سیاسی دارد، از جمله تشکیلات پرنفوذ سودان به‌شمار می‌رود. به گواه تاریخ‌نگاران سودان، استقلال این کشور در سال ۱۹۵۶ میلادی مرهون تلاش و مبارزات علی میرغنی بوده است که در سال ۱۹۶۸ م (۱۳۴۷ هـ ش) درگذشت (گلی زواره‌ای، ۱۳۸۰: ۴۸).

ختمیه در قسمت‌های مختلفی از شمال سودان پیروانی کسب کرد. این طریقت در قبایل مرزی بین سودان و اریتره نیز از نفوذ فوق‌العاده‌ای برخوردار است که نمونه برجسته آن را در قبیله بنی عامر می‌توان جست‌وجو کرد. افزون بر این، تعالیم ختمیه جهان‌شمول‌تر بود و دیدگاه‌های علمای اصلاح‌طلب خاورمیانه را بازمی‌تاباند. ختمیه با ایجاد سازمانی که گروه‌های کوچک‌تر محلی را در قالب ساختاری گسترده‌تر و پایبند به اسلام متحد کرد، تحول مهمی در اسلامی کردن پیوسته سودان پدید آورد (دهمرد، ۱۳۸۹: ۲).

همان‌طور که اشاره شد، نفوذ بر توده‌ها به‌منظور فراهم آوردن فشار مؤثر بر دولت‌های آنها، جنبه‌ای از دیپلماسی فرهنگی است. با توجه به نقش سیاسی تصوف در سودان، این پتانسیل بستر مناسبی برای اعمال این جنبه از دیپلماسی فرهنگی می‌تواند باشد.

1. <http://historicalstudies.parsiblog.com/Posts/16>
2. <http://geopolitical.parsiblog.com/Posts/86>

۳-۱-۳. نقش تصوف در فرهنگ عمومی مردم

به گفته شیخ فاتح قریب‌الله که مرجع بزرگ طریقت سمانیه است، جامعه سودانی به لحاظ ترکیب اجتماعی و بافت فکری مردم و نیز به لحاظ طرق مختلف صوفی و نزدیکی شدید و بیش از حد تفکرات و عقاید تصوف به تشیع و همچنین به لحاظ موقعیت خاص و جغرافیایی سیاسی این کشور دارای ویژگی‌های خاصی است و شاید با هیچ یک از کشورهای اسلامی، به‌ویژه در شرایط و اوضاع و احوال کنونی قابل مقایسه نباشد.

نکته اساسی در شناخت سودان، فهم درست روح اجتماعی مردم سودان است. چنین است که ترسیم نمودار صحیحی از چگونگی تکوین روح اجتماعی و طبیعت و روان جامعه و مردم سودان، به‌ویژه ویژگی‌های طرز تلقی مردم از اسلام، در به تصویر کشیدن درست چگونگی نگرش و بینش سودانی، نقش عمده و در عین حال اساسی دارد. روح سودانی یک روح صوفی است، به لحاظ اینکه جامعه سودانی جامعه‌ای صوفی است. تصوف به‌عنوان یک نهاد اجتماعی در تمامی روحیات، اخلاقیات، ذهنیات، اعتقادات و پیچیدگی‌های روح اجتماعی سودان، ریشه و نقش اساسی دارد (Lobban Fluehr, 1990: 615). چنین است که تصوف در جای جای جامعه سودان و در عمق توده‌های مردم حضور و ریشه دارد. تا آنجا که می‌توان اذعان داشت: «هر خانواده‌ای که تصوف به‌درون آن راه نیافته باشد، سودانی نیست» و بدین تعبیر می‌توان گفت که اسلام سودان یک اسلام صوفی است.

خوشبختانه جو و فضای حاکم در سودان یک فضای صوفی‌گری و قرآنی است، بنابراین بزهکاری‌ها و انحرافات جوانان و نوجوانان سودانی نسبت به جوانان جوامع اسلامی و عربی بسیار کمتر است. گسترش مکتب‌خانه‌های قرآنی در هر کوی و برزن شهرهای کوچک و بزرگ و روستاهای عقب‌مانده این کشور و توسعه و استمرار بیش از پیش دیدگاه‌ها و اعتقادات شیوخ صوفیه و نفوذ و رسوخ افکار آنان و همچنین احترامات بیش از حد آنان در میان همه خانواده‌های سودانی، اعم از مرد و زن و پیر و جوان که برگرفته و نشأت یافته از مسئله مرید و مرادی مردم سودان است، قطعاً و بدون هیچ شک و تردید مانع و رادع بسیار سخت و محکم در مقابل مسیر انحرافات و

ابتدال‌هایی که جوانان سودانی با آن روبرو و مواجه خواهند شد، به‌شمار می‌آید (رایزنی فرهنگی ج. ا. ایران در سودان، ۱۳۹۱).

۲-۳. تشیع در سودان

تشیع از سده‌های سوم و چهارم قمری وارد سودان شد. فاطمیان در مصر و دولت ادرسیان در مغرب، نخستین دولت‌های شیعی بودند که زمینه‌های گسترش تشیع در سودان را فراهم ساختند. با روی کار آمدن صلاح‌الدین ایوبی، برخوردهای شدید و خشونت‌آمیز دولت ایوبیان با شیعیان مصر و شمال آفریقا از علل اصلی سرازیر شدن سادات به سودان بود. پس از ورود صلاح‌الدین ایوبی به آفریقا و برانداختن دولت فاطمیان در سده ششم قمری، دوران شیعه‌آزاری و کتاب‌سوزی آغاز شد. یکی از برجسته‌ترین گروه‌هایی که در برابر کشتارهای صلاح‌الدین با هدف محو شیعه ایستادند، اعضای سپاه سودان بودند (سرور، ۲۰۰۹: ۱۳۲).

سادات (اشراف) در این شرایط ناچار به تقیه در برخورد با مردم و شاگردان شدند و با بدتر شدن شرایط حتی نمی‌توانستند نامی از تشیع خود ببرند. بدین ترتیب شیعیان کمتر و کمتر می‌شدند، اما آموزه‌های خود را به‌صورت پنهانی به‌ویژه از راه طریقت‌های صوفیانه منتقل می‌کردند. به سخن دیگر، تبلیغ دین حق از ورای حجاب تصوف امکان‌پذیر بود. در نتیجه این فعالیت‌های تبلیغی و تبشیری، اکنون سودانیان دوستدار اهل بیت (ع) هستند، در نام‌ها، سروده‌ها و ستایش‌های خود، جایگاه والایی برای اهل بیت (ع) قائلند و بدان‌ها تبرک می‌جویند.

شیعیان سودان اصالتاً از سادات اشراف هستند. جد اشراف، سید «اسحاق مؤتمن» فرزند امام صادق علیه السلام است. همچنین برخی از سادات، نسب خود را به سیده «نفیسه» دختر «حسن الانور ابن زید الابلج ابن حسن المثنی ابن امام حسن (ع)» می‌رسانند (ابوعالم و شوقی، ۱۴۲۴: ۶۰). این بانوی سیده دارای شأن والایی در مصر و مناطق پیرامون آن است. نسبت برخی دیگر از سادات سودان به سادات ادرسی و سادات «مراغنه» و سادات «عرکین» می‌رسد. خاندان «آل زاکی عراقی» در سودان که

1. <http://www.khartoum.icro.ir/index.aspx?fkkeyid=&siteid=201&pageid=5856>

اصلشان حسینی - حسنی است از خانواده‌های مشهور شیعه در این کشور هستند. شیعیان سودان همانند سایر نقاط آفریقا از دو دسته بومی (صوفیان) و غیربومی (لبنانی‌ها و شیعیان مهاجر) تشکیل می‌شود. نخستین گروه شیعیان غیربومی، لبنانی‌ها بودند که وارد فعالیت‌های سازمان‌یافته در سودان شدند. شیخ «معتصم سید احمد»، از بزرگ‌ترین داعیان تشیع در سودان درباره ورود آموزه‌های شیعی در سده معاصر به سودان می‌نویسد: «تشیع از ۱۹۸۶ به صورت نظام‌مند به وسیله لبنانی‌ها با آموزش طلبه‌ها در حوزه علمیه امام غائب (عج) وارد سودان شد. همین افراد، مرکز و «جمعیت اسلامی الرساله والتضامن» را تشکیل دادند. سپس در سیر تطور تشیع وقفه‌ای به وجود آمد، تا اینکه مرکز فرهنگی ایران در سودان تشکیل شد» (السعدی، ۲۰۰۸). با گشایش مرکز فرهنگی ایران در سودان، ایرانیان و حوزه‌های قم، نجف و کربلا فعالیت سازمان‌یافته‌ای را در سودان ادامه دادند.

هم‌اکنون شمار شیعیان این کشور ۱۴۰ هزار نفر برآورد شده است که شامل دسته‌های گوناگون شیعیان ۱۲ امامی، ۶ امامی و... می‌شود. شیعیان در همه نقاط کشور پراکنده‌اند، ولی بیشتر آنها در مناطق مرکزی ساکنند. شیعیان جعفری دوازده امامی نیز در منطقه «حاج یوسف» پیرامون استان خارطوم زندگی می‌کنند. در خارطوم، آنها در منطقه «عمر مختار» و «ام دم» ساکنند. حسینیه‌ها و زاویه‌های شیعیان در شهر «کردفان» نیز زیاد است (جمال عرفه، ۱۴۲۷). البته آمارها قابل اتکایی در این باره وجود ندارد، اما آنچه مهم است، تصوف، شیعیانی بوده‌اند که در سالیان گذشته برای دور ماندن از فشارها، اعمال خود را از طریق تصوف دنبال کرده و در حال حاضر اشتراکات بسیاری با تشیع دارند، هرچند به طور اسمی شیعه نباشند.

۱-۲-۳. تأثیرپذیری تصوف از فرهنگ تشیع و اشتراکات فرهنگی میان آنها

طریقت‌های صوفیان سودان که ریشه شیعی دارند، در حفظ آیین‌های تشیع بسیار مؤثر بوده و بسیاری از آنها در طی سده‌ها، خود را هم‌رنگ جامعه کرده‌اند، اما در برگزاری آیین‌ها، مریدان (حیران‌ها) خود را با باورهایی چون دوستی اهل بیت (ع) آشنا می‌کنند.

1. <http://www.alrashead.net/index.php?tamdprev&id=225>

2. <http://almoslim.net/node/85851>

در گروه‌های صوفیه که اخیراً با میراث شیعی آشنا شده و شیوخ آنها به برخی آموزه‌های شیعی همچون مفاهیم امامت و مهدویت به شکل درست دست یافته‌اند، در ارتباط مرید با مرشد، تعالیم به صورت مستقیم و تأثیرگذار منتقل می‌شود. فرد به خاطر قرار گرفتن در گروه، اندک‌اندک خود را با گروه همسان می‌کند و بدین سان با تشیع آشنا می‌شود. همچنین حلقه‌های صوفیان می‌کوشند شمار زیادی نگهبان، مستخدم، منشی، راننده و مترجم استخدام کنند و افراد را با این نام‌ها در گروه‌های خود وارد کنند (عیسی، ۱۴۳۰).

محمد جعفر، مدیر سایت «المشکاه» بر این باور است که صوفیان سودانی در گسترش آیین تشیع نقش داشته‌اند. شیعیان سودانی دارای زاویه‌ها، حسینیه‌ها و کانون‌های آموزشی به‌ویژه در مناطق تمرکز تصوف هستند (جمال عرفه، ۱۴۲۷). آنچه از ویژگی‌های بارز تصوف در سودان است و بیش از همه در طرز تلقی مردم از اسلام و نیز باورهای مذهبی، اعتقادات اسلامی، عبادات و اعمال دینی آنان نمود دارد، دقیقاً همین خصوصیات و نحوه نگرش است که تصوف را نسبت به عموم اهل سنت به شیعه نزدیک می‌کند که البته این نزدیکی مفاهیم و نگرش و چگونگی تلقی از اسلام، از این مفاهیم هم فراتر می‌رود، تا جایی که در ساخت مساجد، گنبد، گلدسته‌ها و زینت و حتی نوع انتخاب رنگ و به کارگیری فرم و ساخت پنجره‌ها، منبرها و به‌ویژه ضریح اولیا (امامزاده‌ها)، چنان که در فرهنگ شیعی است، می‌توان این تأثیرات را لمس کرد. اما آنچه بیش از همه چشمگیر و هیجان‌انگیزتر است، مجموعه این ترکیب و ساختار مذهبی است که توده مردم را به مرجع متصل می‌کند و شیخ به عنوان ستون فقرات و تکیه‌گاه روانی و روحی و معنوی به پیروانش قوام و استمرار می‌بخشد و به عبارت دیگر برای آنها هادی و رهبر به حساب می‌آید. این ارتباط عمیق و پیوستگی توده مردم به شیوخ متصوفه تا آن حد گسترده است که سیستم مذهبی شیعه را می‌ماند و تا آنجا که در فولکور و ادبیات مذهبی توده مردم (که حکایت از این پیوستگی و ارتباط همه‌گیر و وسیع مردمی دارد) می‌توان این ضرب‌المثل عامیانه را یافت: «من لاشیخ له فشیخه الشیطان» (هر کس که پیر و مرشدی نداشته باشد، پیر و مرشد او شیطان

1. <http://www.azahera.net/showthread.php?t=2546>

است).

جلوه‌های دوستی اهل بیت (ع) در میان آیین‌هایی فرهنگی مردم سودان سابقه دیرینه‌ای دارد. برخی از نمودهای این پیشینه فرهنگی به شرح زیر است:

۱. حب و عشق به اهل بیت (ع) از جمله مشترکات فرهنگی تشیع و صوفیان سودان می‌باشد. عشق به اهل بیت (ع) طوری است که شیوخ متصوفه باید شجره‌نامه‌شان منسوب به اهل بیت (ع) باشد. سودانی‌ها، کتاب شجره‌نامه آل‌مراغنه را منسوب به اهل بیت (ع) می‌دانند. در این کتاب پس از مطرح کردن آیه تطهیر و حدیث ثقلین، با ذکر روایتی دیگر آمده است که امام جعفر صادق (ع) و امام شافعی نیز آیه «واعصموا بحبل الله...» را چنین تفسیر کرده‌اند: حبل الله همان حب اهل بیت پیامبر (ص) است. همچنین وجود صحیفه سجادیه و تکرار ادعیه آنها چه با نام صحیفه و چه بدون آن در کنار اهتمام ویژه به نهج البلاغه و نیز مجالس ویژه روضه خوانی برای اباعبدالله الحسین گویای زمینه‌ای مستعد و متفاوت برای اهل سنت این منطقه، به ویژه متصوفه در بازگشت به مبانی اندیشه‌های نبوی و علوی است. «لسان‌الحضرت» یا آیین‌های نمایشی صوفیان به همراه نواختن برخی سازها، مراسمی است که صوفیان در بزرگداشت حضرت علی (ع) و اهل بیت و همراه با ذکر گویی انجام می‌دهند.

۲. در زبان و فولکلور مردم سودان نیز می‌توان مظاهر تشیع را به چشم دید. هنگامی که سودانی‌ها می‌خواهند اوج مظلومیت کسی را بیان کنند، می‌گویند: «انا مظلوم ظلم الحسن والحسین». همچنین کمتر کسی در سودان وجود دارد که از شمشیر علی کرار و دلیری حیدر کرار سخنی نشنیده باشد (عثمان مرغی، ۱۴۲۵: ۲۵).

۳. نام‌های معمول در سودان همچون المرتضی (علی)، زهرا، بتول (فاطمه)، حسن، حسین، زین العابدین (سجاد)، باقر، کاظم، رضا، هادی، مهدی و در آخر هم الخمینی نیز فراوان یافت می‌شود (احمد النور، ۱۳۸۹: ۱۳۱). به طور کلی، این نام‌ها در سودان بیش از بسیاری از دولت‌های عربی دیگر به چشم می‌خورد. این اسامی مختلف نشان از عمق علاقه مسلمانان سودان به خاندان عصمت و طهارت دارد.

۴. ذکر صلوات به طور کامل از دیگر ویژگی‌های مشترک فرهنگ صوفی و مردم سودان با فرهنگ تشیع است (امیردهی، ۱۳۸۵: ۱۵۸). در فرهنگ و مراجع اهل سنت صلوات بر رسول (ص) همیشه و غالباً صورت اللهم صل علی محمد و علی آله بوده است اما

در کلیه مراجع، منابع، ادعیه و فرهنگ شیعی صلوات به صورت اللهم صلّ علی محمد و آل محمد نقل و روایت شده است. اگرچه هر دو صلوات یک مفهوم را می‌رساند، یک فرق دقیق و ظریف بین آن دو وجود دارد. از آنجا که شیعه اساساً امامت را از نبوت جدا نمی‌داند و آن را در واقع ادامه‌دهنده و تکمیل‌کننده نبوت می‌داند، با «او عطف»، اهل بیت (ع) را ادامه‌دهنده راه پیامبر (ص) معرفی می‌کند. در حالی که در صلوات اهل سنت تکرار حرف جرّ «علی» قبل از «آل محمد» نشانگر جدایی است و به عبارتی، دو واحد و دو پیکره جدای از هم داریم و گاه برخی از اهل سنت، صحابه را نیز در این «آله» ذکر می‌کنند، اما صلوات در فرهنگ صوفی مطابق با فرهنگ شیعی است.

۵. انتساب برخی قبایل به ائمه اطهار (ع): طوایف سودانی کوشش می‌کنند خود را به نوعی به طوایف منتسب به اهل بیت مرتبط کنند (از جمله شایقیه، ارتقیه، اشراف، رکابیه، جباراب و...) (عثمان علی، ۱۴۱۴: ۴۰۴). برای مثال، جباراب، نسبشان را به امام رضا (ع) می‌رساند، شایقیه، نسبشان به اسماعیل فرزند امام موسی کاظم (ع) می‌رسد، ارتقیه، نسبشان از طریق محمد بن حنفیه به امام علی (ع) می‌رسد، اشراف و از قبایل شرق سودان هستند و نسبشان به یکی از نوادگان امام موسی کاظم (ع) می‌رسد که از شریفان هاشمی مکه بوده و به افریقا کوچیده است (عثمان مرغی، ۱۴۲۵: ۳۹-۳۵).

از دیگر مشترکات فرهنگی تشیع و تصوف عبارتند از: اعتقاد به توسل به اولیا و صالحین (غیر از خداوند تبارک و تعالی)، اعتقاد به تبرک به آثار رسول اکرم (ص) و اولیا، اعتقاد به شفا از طریق اولیا و صالحین (غیر از خداوند تبارک و تعالی)، اعتقاد به شفاعت از اولیا و صالحین (غیر از خداوند تبارک و تعالی)، زیارت قبور اولیا و صالحین (امامزاده‌ها)، بنای گنبد و بارگاه برای اولیا و صالحین (امامزاده‌ها)، به طوری که در یکی از مراکز روستایی که در ۲۰۰ کیلومتری خارطوم قرار دارد، بیش از ۲۰ امامزاده موجود است و ذکر دعا به حق حسن و حسین شهید (علیهما السلام) در ادامه اذان و اقامه، یکی از ادعیه‌های آنان بوده و مردم نسبت به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) احساسات و عواطف شدیدی دارند.

چنین است که به لحاظ این تقارب تاریخی و فرهنگی در مفاهیم و اشتراک در اعتقادات مذهبی و مظاهر عبادی، آنگاه که شیعه به دفاع از حریم و مرزهای اعتقادی

خویش قلم می‌زند، گویی که از تصوف در حال دفاع کردن است. در این زمینه بررسی و تحقیق پیرامون تأثیر کتاب «التوحید و شرک» در بین مردم و جامعه سودان، روشنگر این مطلب بود. به دنبال آن، بعضی از شیوخ و علمای طرق صوفی اظهار می‌داشتند: علامه شیخ جعفر سبحانی (نویسنده کتاب) به تحقیق از مراجع و شیوخ بزرگ متصوفه در ایران اسلامی است. این مسئله نشان می‌دهد که طرز تلقی فرهنگ شیعی و صوفی از اسلام در بسیاری از زمینه‌ها مشترک و به هم نزدیک است.

۴. پیشینه روابط سیاسی، فرهنگی ایران و سودان

دو کشور ایران و سودان چهار دوره را در روابط خارجی خود پشت سر گذارده‌اند: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط بین ایران و سودان بیشتر در حیطه بازرگانی تعریف می‌شد که البته آن هم بسیار محدود بود. در سال ۱۳۵۱ برای اولین بار بین دو کشور مبادله سفیر انجام گرفت و نمیری در همان سال از ایران دیدار کرد و روابط بین دو کشور به عنوان حامیان عرب استحکام بیشتری یافت. با پیروزی انقلاب اسلامی، مسئولین رژیم سودان اعلامیه‌هایی در حمایت از انقلاب اسلامی منتشر کردند. در همین راستا دکتر ترابی، رهبر اخوان المسلمین، هم با رهبر کبیر انقلاب اسلامی دیدار کرد. پس از حادثه گروگان‌گیری در لانه جاسوسی، رویه دولت سودان به عنوان هم‌پیمان آمریکا در آفریقا تغییر کرد و روش‌های خصمانه بین دو کشور حاکم شد. در سال ۱۳۶۱ نمیری کارکنان سفارت جمهوری اسلامی ایران را عناصری نامطلوب خواند و دستور اخراج آنها را صادر کرد. دیکتاتوری نمیری در طی ۱۶ سال حکومت، کاملاً گرایش به غرب داشت از اقدامات ننگین دولت نمیری می‌توان به شرکت در جنگ تحمیلی به نفع عراق و حمایت از انور سادات در جهت امضای «کمپ دیوید» و صلح با اسرائیل در میان کشورهای عربی نام برد. از این رو کلیه گروه‌ها و جنبش‌های سودانی، به ویژه جنبش‌های اسلامی چون اخوان المسلمین در مقابل او قرار گرفتند که در نهایت کودتای سوارالذهب با مشارکت گروه‌ها و احزاب مردمی در سال ۱۹۸۵ صورت گرفت و به پیروزی رسید.

پس از سقوط نمیری و با قدرت گرفتن سوارالذهب، فصل جدیدی از روابط بین

دو کشور آغاز شد. جمهوری اسلامی ایران در گام اول پیروزی حرکت مردم مسلمان سودان را تبریک گفته و هیئتی برای اعلام پشتیبانی به کشور سودان اعزام داشت. یک سال بعد با روی کار آمدن صادق المهدی روابط بین دو کشور مشخص تر شد، به ویژه پس از رأی منفی دولت سودان به قطعنامه تنظیمی کمیسیون حقوق بشر علیه جمهوری اسلامی ایران در شورای امنیت روابط طرفین مودت آمیز تر شد. از زمان روی کار آمدن عمرالبشیر، طی ۲۵ سال حکومت او (۲۰۱۴-۱۹۸۹) روابط دو کشور ایران و سودان به دلیل زمینه‌ها و مواضع مشترک دو کشور در ابعاد مختلف به ویژه فرهنگی رو به توسعه بوده است (تقی‌زاده، ۱۳۸۷).

اولین روابط غیررسمی فرهنگی میان ایران و سودان مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ آغاز شد. در آن سال‌ها، پیام‌های امام خمینی (ره) در مورد ستیز با مستکبران جهان موجب جلب دانشجویان و روشنفکران سودان شد، به گونه‌ای که اولین و گسترده‌ترین تظاهرات میلیونی در حمایت از انقلاب اسلامی ایران در سودان در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ به طور خودجوش برگزار شد. اما فعالیت‌های فرهنگی ایران در سودان در قالب نهادهای رسمی در اواخر سال ۱۳۶۳ با اعزام اولین نماینده فرهنگی ایران از سوی وزارت ارشاد به سودان آغاز شد. پس از تأسیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در سال ۱۳۷۴، فعالیت نهادهای ایرانی در سودان متمرکز و هماهنگ تر شد. از ابتدای انقلاب تا شهریور ۱۳۹۳ در زمینه همکاری‌های فرهنگی ارتباطات گسترده‌ای میان دو کشور وجود داشته است.

با وجود این روابط گسترده، در تاریخ ۱۰ شهریورماه ۹۳ (ه.ش) دولت سودان با تعطیلی تمامی مراکز فرهنگی ایران در خارطوم و سایر استان‌ها، شوک بزرگی به محافل سیاسی وارد کرد (السودان یغلق مراکز ثقافیه ایرانیه، ۲۰۱۴). با مطالعه دقیق تاریخچه روابط این دو کشور و فقدان چالشی حداقل در چندماهه منتهی به این اقدام میان دو کشور، می‌توان به این نتیجه رسید که برای این کاهش روابط که تا حدی مصلحتی به نظر می‌رسد، دلایل بیرونی خارج از این روابط می‌توان یافت که به طور مستقیم در اقدام اخیر تأثیر داشته است.

گسترش روابط سیاسی-اقتصادی و فرهنگی ایران و سودان طی دو دهه گذشته، موجب نگرانی برخی کشورهای عربی منطقه و رژیم صهیونیستی شده بود. این روابط

نزدیک بیشتر به خاطر مواضع مشترکی است که در مواردی همچون مسئله فلسطین و نقش اشغال‌گری رژیم صهیونیستی داشته‌اند.

در بسیاری از منابع خبری دلیل اصلی بسته شدن مراکز فرهنگی ایران در سودان ترویج مذهب تشیع در این کشور ذکر شده است. البشیر، رئیس‌جمهور سودان، در مصاحبه‌ای در تاریخ ۱۱ اکتبر با روزنامه عربستانی الشرق الاوسط، تعداد شیعیان سودانی را حدود ۱۲ هزار تن برشمرد که بیشتر آنها را جوانان دانشجو تشکیل می‌دهند. بنا به ادعای وزارت خارجه سودان، دلیل صدور تعطیلی مراکز فرهنگی ایران در این کشور، تهدیدی بوده که به خاطر ترویج تشیع علیه امنیت فکری و اجتماعی در این کشور احساس شده بود. در سال ۱۹۸۸ میلادی اولین مرکز فرهنگی ایران در سودان تأسیس شده و در سال ۱۳۹۳ تعداد این مراکز فرهنگی بنا به ادعای مرکز منطقه‌ای پژوهش‌های استراتژیک سودان افزایش محسوسی داشته و تنها تعداد حسینی‌های این کشور ۱۵ مرکز اعلام شده است.

رئیس‌جمهور سودان نیز اظهار داشته بود که این شیعیان از طریق شرکت در جلسات هفتگی مراکز فرهنگی ایران با این مذهب آشنا شده و به آن گرویده‌اند. بنابراین یکی از عمده دلایلی که البته ظاهراً دولت البشیر تمایل دارد اذهان عمومی بر روی آن تمرکز کنند، ترویج تشیع است.

دلیل مهم دیگری که در تحلیل‌های رسانه‌های غربی به آن اشاره شده است پهلوگیری کشتی‌های جنگی نیروی دریایی ایران در سال ۲۰۱۲ میلادی در «پورت» سودان بوده که موجب نگرانی و دلخوری بسیاری از مخالفان داخلی و خارجی روابط ایران و سودان شده است. این اقدام که نشان از روابط تنگاتنگ این دو کشور داشت خطر بزرگی برای برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس مانند عربستان سعودی و امارات و نیز رژیم صهیونیستی محسوب می‌شد. پس از این واقعه عربستان سعودی و امارات فشارهای مالی و بانکی زیادی به سودان وارد کردند و مسئول حافظ منافع سعودی‌ها در سودان فعالیت‌های خود را برای فشار به دولت عمر البشیر به منظور قطع روابط دولت سودان با ایران بیش از پیش افزایش داد.

از سوی دیگر، از نقش پررنگ اسرائیل در وارد کردن فشار مضاعف بر سودان در قطع روابط با ایران نمی‌توان غافل شد. از زمان حضور کشتی‌های جنگی ایران در

پورت سودان، رژیم صهیونیستی حضور اطلاعاتی و نیروهای خود در این منطقه را، به‌ویژه در بندر «مصوع و عصب اریتره»، مهم‌ترین پایگاه‌های نظامی اسرائیل در خلیج عدن و در خارج از سرزمین‌های اشغالی، افزایش داد.

دلیل مهم دیگری هم که می‌توانست موجب نگرانی رژیم صهیونیستی در این برهه از زمان شود، پیروزی حوثی‌های یمنی بود که در اولین اقدام کنترل بندر «الحدیده» را به دست گرفتند. از آنجایی که حوثی‌های یمنی با ایران روابط خوبی دارند و دلیل پیروزی انقلاب حوثی‌ها حمایت ایران از ایشان دانسته می‌شود، دستیابی حوثی‌ها به بندر مهم الحدیده به‌نوعی افزایش قدرت ایران در کنترل تنگه باب‌المندب و دریای سرخ محسوب می‌شود.

از دیگر عوامل داخلی که البشیر را به اصلاح روابط آشکار خود با ایران واداشت، وجود شکاف و دودستگی در بدنه دولت بود. از نظر برخی دولتمردان نظیر علی کرتی، وزیر امور خارجه وقت سودان و نیز بسیاری از نمایندگان، روابط با ایران به‌منزله تهدیدی علیه اوضاع اقتصادی سودان بوده و مانع بزرگی برای سرمایه‌گذاری‌های کشورهای حوزه خلیج فارس محسوب می‌شد. در تأیید این حرف می‌توان به اقدام ملک عبدالله پادشاه سعودی‌ها اشاره کرد که پس از بسته شدن مراکز فرهنگی ایران، دستور گسترش روابط اقتصادی عربستان را با سودان صادر کرده است. لازم به ذکر است که حجم سرمایه‌گذاری خارجی عربستان در سودان در حال حاضر ۱۳ میلیارد دلار است و به گفته «احمد شاور» دبیر کل دفتر سرمایه‌گذاری سودان، عربستان اکنون شریک اول تجاری کشور است (اسدی، ۱۳۹۳).

نکته مهم دیگری که باید به آن توجه داشت، اینکه بعد از جدایی سودان جنوبی از سودان در سال ۲۰۱۱، بخش اعظمی از درآمدهای سودان از منابع نفتی که در جنوب واقع شده بود از دست رفت و این مسئله در کنار تحریم‌های چند ساله آمریکا علیه سودان، این کشور را با مشکلات اقتصادی فراوانی مواجه کرد که اعتراضاتی را نیز در سودان در پی داشت.

تلاش‌های گروه‌های سلفی مورد حمایت سعودی‌ها در اعمال فشار به دولت برای

1. <http://tabyincenter.ir/index.php/component/search/?searchword>

توقیف فعالیت‌های مراکز فرهنگی ایران از دیگر عوامل کاهش روابط بوده است.^۱ هرچند وهابیت فرهنگ صوفی جامعه سودان را مانعی جدی در برابر خود می‌بیند، اما به دلیل فشارهای جریان وهابیت، در نهایت البشیر مجبور به اتخاذ تصمیمی شد تا مظاهر فرهنگی ایران را در کشور خود کمرنگ کند و از عمق حساسیت‌های به وجود آمده در داخل کشور نیز کاسته شود. پس از تصمیم بسته شدن مراکز فرهنگی ایران، پارلمان سودان این تعلیق را کافی ندانسته، در بهبود و عادی‌سازی روابط با آمریکا و هم‌پیمانانش عربستان و امارات و در به تصویب رساندن قوانینی در ممنوعیت کامل هرگونه فعالیت شیعیان مبادرت ورزید تا به تحقق منافع مالی و خروج از مشکلات اقتصادی دست یابد.

بعد از تعرض عده‌ای به مراکز دیپلماتیک عربستان در ایران، سودان در تکمیل پروسه‌ای که از ۱۳۹۳ آغاز کرده بود، با فشار مستقیم عربستان در ۱۳ دی ماه ۱۳۹۴ اقدام به قطع روابط سیاسی خود با جمهوری اسلامی نمود. سودان با چرخش جدی در روابط خارجی خود با ایران، دور چهارم از روابط خود را که بازگشت به دوران نمیری است، آغاز نموده است. این کشور با اعلام خبر آمادگی سودان برای برقراری روابط با رژیم صهیونیستی، در صدد است فصل جدیدی را در روابط خود با جهان غرب و عرب (به رهبری عربستان) شروع کند.

۵. آسیب‌شناسی دیپلماسی فرهنگی ایران در سودان

در این بخش با بررسی تهدیدات، نقاط ضعف، فرصت‌ها و نقاط قوت به آسیب‌شناسی دیپلماسی فرهنگی ایران در سودان خواهیم پرداخت. در ارتباط با تهدیداتی که دیپلماسی فرهنگی ایران در سودان با آن مواجه است می‌توان به حساسیت برخی کشورها نسبت به فعالیت‌های مرتبط با انقلاب اسلامی در سودان، نفوذ فرهنگی آمریکا و کشورهای اروپایی در نهاد حاکمیت سودان و کارشکنی در روابط بین دو کشور و فعالیت ضد شیعی وهابیت که مهم‌ترین تهدید برای دیپلماسی فرهنگی ایران در سودان طی سال‌های اخیر بوده است، اشاره داشت (نصیری، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۵). با توجه به اهمیت

1. <http://www.middleeasteye.net/news/iran-saudi-arabia-jostle-influence-sudan-iranian-cultural-centre-shut-down-61716582>, 12 February 2015

گسترش وهابیت در سودان و تأثیر آن بر روابط سیاسی و فرهنگی دو کشور در ادامه این چالش را بررسی می‌کنیم:

۱-۵. وهابیت

وهابیت دیگر جریان عمده فکری- فرهنگی در سودان است که طی سال‌های اخیر تلاش‌های خود را در این کشور افزایش داده و توانسته تأثیراتی در میان جوانان کشور سودان داشته باشد. علاقمندی و پابندی شدید مشایخ و مریدان طرق صوفیه در سودان به اهل البیت عصمت و طهارت (ع) که نمود آنها گاه در قالب اشعار و مدایح نبوی و مقالات حسینی بروز می‌کند، موجب انگیزش خشم دشمنان به‌ویژه وهابیت شده است. وهابی‌های سودان شامل سه گروه تندرو اسلامی سنی یعنی «انصار السنه المحمدیه»، «اخوان المسلمین» و «مجلس الدعوه» هستند که مخالفان اصلی شیعیان در سودان نیز محسوب می‌شوند. در این میان انصار السنه المحمدیه از همه مهم‌تر و معروف‌تر است. مسلمانان سودانی در دو دهه اخیر، وهابی‌ها را با نام انصار السنه المحمدیه می‌شناسند. جماعت انصار السنه در سال ۱۹۳۹ میلادی تأسیس شد و مؤسسان آن «طه‌الکردی» و «عبدالله احمد» بودند. هدف از تأسیس این جماعت به زعم ایشان، توحید خالص و پاک، التزام به کتاب و سنت صحیح، مبارزه با بدعت‌ها و رها نمودن خرافات و آداب و رسوم ارتجاعی بوده است. اگرچه این گروه انتساب خود را به وهابیت بخاطر شرایط موجود تکذیب می‌کنند، اما در میان عموم، هواداران این جماعت از وهابی‌ها شناخته شده‌اند.

وهابی‌ها در سودان فعالیت‌های بسیاری دارند. آنها با استفاده از ثروشان، مدرسه و مسجد و کتابخانه می‌سازند، در روستاهای بدون آب، چاه حفر می‌کنند و به نیازهای اقتصادی مردم می‌پردازند تا آنها را به مذهب خود درآورند. آنها یک سیستم آموزشی دارند که سعی می‌کند از دوران مهد کودک تا دانشگاه، ذهن افراد را به‌سوی عقاید وهابی جهت‌دهی کنند تا از همان دوران کودکی خیالشان از هدایت مردم به عقاید خود آسوده باشد.

لازم به ذکر است که وهابیون در سودان دارای حدود ۴۰۰۰ مسجد هستند که در این مساجد به برگزاری کلاس‌ها و حلقه‌های درس پرداخته و در این میان، طلاب نخبه

را انتخاب کرده و برای آموزش فرهنگ نادرست وهابیت به دانشگاه‌های خود در مدینه منوره و مکه معظمه می‌فرستند. وهابیون عربستانی با اعطای بورس تحصیلی به فرزندان فقیر سودانی، سعی می‌کنند آنها را به مذهب خود جذب کنند و یکی از شرایط تحصیل در عربستان پذیرفتن مذهب وهابیت است (دفع السید،^۱ ۱۳۹۰).

جماعت انصار السنه با توجه به امکانات بسیار وسیعی که در اختیار داشته و نفوذ قابل ملاحظه‌ای که در حکومت دارند، توانسته‌اند پایگاه‌های جدیدی در اقصی نقاط سودان برای خود ایجاد کنند. این جریان که با حمایت کشورهای مثل عربستان، هزینه‌های زیادی انجام می‌دهد، با فعالیت‌های ضد تصوف و ضد شیعی خود توانسته طی سال‌های اخیر چالش‌هایی علیه فعالیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سودان ایجاد کند. هرچند با توجه به وجود محبت اهل بیت پیامبر (ص) نزد سودانی‌ها، این گروه نتوانسته‌اند مردم این کشور را مانند سایر کشورهای اسلامی به مذهب خود سوق دهند، این جریان، در آینده به‌عنوان خطری جدی علیه فرهنگ تصوف و تشیع در سودان و فعالیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این کشور به‌شمار می‌رود (الشیخ ادریس،^۲ ۲۰۱۳).

علی‌رغم مخالفت صوفیه با افکار وهابی، در دوران اخیر طرفداران جماعت انصار السنه در میان جوانان افزایش یافته که این موضوع به خاطر فعالیت‌های تبلیغی گسترده جماعت مزبور بوده است. وهابی‌ها در اکثر استان‌های مرکزی و شرقی سودان صاحب پایگاه و مسجد بوده و نوک تیز حمله خود را متوجه عقاید متصوفه و طی چند سال گذشته با احساس وجود خطر ورود تفکر شیعه به سودان، به شدت علیه پیروان مذهب اهل بیت (ع) شایعه‌پراکنی می‌کنند. در واقع با افزایش کم‌نظیر تمایل مردم مسلمان سودان به جمهوری اسلامی ایران و فرهنگ تشیع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، طی سال‌های اخیر جریان وهابیت در این کشور احساس خطر کرده و تلاش‌های خود را برای جلوگیری از ادامه این روند، شدت بخشیده است (جمال عرفه،^۳ ۱۳۹۱).

1. <http://irna.ir/NewsShow.aspx?NID=30518295>

2. <http://www.sudaress.com/alsudani/12389>

3. <http://www.m-mahdi.com/forum/showthread.php?p=30109>

امام جمعه‌های آنها اغلب وهابی نیستند، اما به خاطر مسائل مالی و دریافت پول از وهابیون، در مساجد آنها نماز خوانده و به تبلیغ برای آنها می‌پردازند. در ادامه همین تحرک، وهابی‌ها توانسته‌اند با در اختیار گرفتن مسئولان و امکانات سازمان‌های بین‌المللی اسلامی که مسئولیت تبلیغ اسلام در آفریقا را باید عهده‌دار باشند، اقدام به مخدوش کردن چهره شیعه و کافر قلمداد نمودن آنها کنند. این گروه‌ها، شیعیان را متهم به چاپ و پخش کتاب‌های شیعی از جمله نوشته‌هایی توهین‌آمیز درباره عایشه و برخی صحابه پیامبر(ص) و نیز گسترش اندیشه‌هایی که به اساس دین آسیب می‌زند، می‌کنند (جمال عرفه، ۱۴۲۷). یکی از اتهام‌هایی که در سودان به شیعیان زده می‌شود، آن است که آنان به کتابی به نام «مصحف فاطمه» باور دارند. در مصحف فاطمه (س) - به گفته یکی از روزنامه‌های سودانی - نه تنها خبری از آیات قرآن نیست، بلکه احکام حلال و حرام نیز نیامده است.^۱

آنها با چاپ و پخش کتاب‌ها و نشریه‌های شیعی به شدت برخورد می‌کنند. به عنوان مثال در نمایشگاه بین‌المللی کتاب خارطوم سال ۱۳۸۵ در پی تهدیدات گروه‌های تندروی وهابی، غرفه‌های ایرانی در این نمایشگاه تعطیل شد. پنج ناشر ایرانی مجمع جهانی اهل بیت (ع)، مجمع تقریب مذاهب، انتشارات الهدی، انتشارات انصاریان و یک ناشر الکترونیک از کشورمان (جمال عرفه، ۱۴۲۷) در این نمایشگاه شرکت کرده بودند. همچنین مرکز تحقیقات رایانه‌ای علوم اسلامی، با ارائه نرم افزارهای جدید علمی، مذهبی، توجه زیادی را به خود جلب کرد.

در این باره باید گفت: استقبال مردم سودان از غرفه‌های ایران، به اندازه‌ای بود که همه بازدیدکنندگان از ازدحام موجود در این غرفه‌ها حیرت زده می‌شدند. وهابیون تندرو، که اوج استقبال مردم سودان از غرفه‌های ایرانی را تحمل ناشدنی دیدند، با تهدید به آتش کشیدن غرفه‌ها و استفاده از عناصر وابسته خود برای ایجاد جنگ روانی در سالن نمایشگاه، رایزن فرهنگی ایران در سودان را وادار کردند غرفه‌های ایرانی

۱. در نظرسنجی از حاجیانی که از کشورهای مختلف در عربستان سعودی حضور داشتند، بسیاری از مسلمانان آفریقایی اطلاع درستی از عقاید شیعیان نداشته‌اند و آنانکه با شیعیان آشنا بودند، مواردی چون این عقیده را که صحابه پیامبر(ص) و همسر وی برخی دچار اشتباهات شده‌اند، از خطاهای شیعیان دانسته‌اند.

نمایشگاه را تعطیل کند. گروه‌های تندرو کتاب‌های ناشران ایرانی را مصادره کردند. این در حالی است که همه کتاب‌های شرکت داده شده در این نمایشگاه، از سوی دولت سودان تأیید و نام و محتوای آنها پیش از آغاز نمایشگاه در اختیار سازمان‌های ناظر قرار داده شده بود.^۱

علاوه بر این، در گذشته رهبران وهابی در سودان اقدام به تأسیس «بخش نظامی» کرده و مجموعه‌ای را با عنوان «عصبه الرحمن» که در اصل شاخه نظامی این فرقه در سودان است، راه‌اندازی کردند. نیروهای این مجموعه در برخی از مزارع اطراف شهر خارطوم دوره‌های نظامی را آموزش می‌بینند. این مجموعه خود را علیه شیعیان و ریشه کن کردن طرز تفکر شیعی آماده می‌کند و به نظر می‌رسد در صورت بروز شرایط مناسبی از دیدگاه رهبران وهابی، این مجموعه اقدام به تحرکاتی علیه محبین اهل بیت (ع) در سودان نمایند.

در رابطه با پیروان مذاهب اهل سنت، به دلیل موانع فقهی و اجتهادی که در آنها وجود دارد و نیز مشکلاتی که در میان طرق صوفیه ایجاد شده و ناتوان بودن از ارائه پاسخ‌های مناسب به سؤالات وهابی‌ها، امروزه نیروهای وهابی بدون خوف از عکس‌العمل‌های احتمالی منفی پیروان مذاهب اهل سنت و متصوفه، در برخی از مساجد مورد نظر و در اوقات نمازهای پنج‌گانه از جای برخاسته و مبادرت به زیرسؤال بردن آن بخش از سخنان امام جماعت می‌کنند که با افکار آنها در تضاد بوده و بسیار کم اتفاق افتاده که توانسته باشند پاسخی محکم به آن فرد وهابی بدهند و اگر پاسخی مناسب نیز داده شود این فرد قانع نمی‌شود تا به زور از مسجد بیرون شود. این اصرار از جانب نیروهای وهابی و آن‌هم از نوع سودانی، و هدایت‌ها و امکاناتی که رهبران وهابی جهت این حرکت قائل شده‌اند، باعث شده که امروزه وهابیت خود را به صورت یکی از واقعیت‌های موجود و ملموس در صحنه مذهبی سودان مطرح کند و البته برخی دولتمردان سودانی نیز به دلیل گرایش‌های سلفی، صحنه فعالیت را برای وهابی‌ها باز گذاشته‌اند (رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی در سودان،^۲ ۱۳۹۱).

طی سال‌های گذشته، وهابیون در سودان با دادن رشوه به مسئولان سعی کرده‌اند

1. <http://salaf.blogfa.com/post-203.aspx>

2. <http://www.khartoum.icro.ir/index.aspx?fkkeyid=&siteid=201&pageid=5856>

مانع انتشار کتاب‌های علمای سودانی علیه این فرقه شوند. دولتمردان فعلی سودان نیز که تا از زمان روی کار آمدن عمرالبشیر روابط خوبی با جمهوری اسلامی ایران داشتند و توانسته بودند در مقابل فشارهای سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی مقاومت کنند، طی دو سال اخیر با چرخش در روابط خود با ایران، دوره‌ای جدید را در روابط خارجی خود رقم زده‌اند.

علی‌رغم نقاط ضعف و تهدیداتی که متوجه دیپلماسی فرهنگی ایران در سودان است، در بخش فرصت‌های فرهنگی علاقه مردم سودان به ایران و نظر مثبت آنها به انقلاب اسلامی، ارتباط با دانش‌آموختگان سودانی در ایران به‌منظور افزایش همکاری‌های فرهنگی و زمینه‌های موجود در این کشور از جمله اشتراکات تصوف سودان با تشیع که در صفحات قبل به آنها اشاره شد، می‌تواند مبنایی برای دیپلماسی فرهنگی ایران در سودان قرار گیرد.

با توجه به اشتراکات فرهنگی تصوف و تشیع در سودان و پتانسیل موجود برای فعالیت فرهنگی در این کشور، توجه و بهره‌برداری فرهنگی از اشتراکات بین دو کشور، شناسایی و تعامل با شیوخ صوفیه و استفاده از مفاهیم و زبان مشترک در تعامل با آنها، استفاده از پتانسیل جریان تصوف در مقابله با توطئه‌های وهابیت در سودان، لزوم درک واقعیت‌های فرهنگی سودان، توجه به تعاملات فرهنگی بین مردمی و فعال نمودن سازمان‌های غیردولتی در سودان، تنوع بخشیدن به فعالیت‌های فرهنگی در سودان و سرمایه‌گذاری هم‌زمان در حوزه‌های دیگر در کنار تبلیغات مذهبی و توجه به فعالیت‌های اقتصادی به‌عنوان زمینه‌ساز فعالیت‌های فرهنگی، استفاده از سایر زمینه‌ها مشترک دو کشور در گسترش فعالیت‌های فرهنگی، عدم انجام فعالیت‌های حساسیت‌برانگیز و تأکید بر وحدت مسلمانان به جای تبلیغ مستقیم تشیع و تلاش برای شناساندن فرهنگ اصیل تشیع و رفع اتهامات علیه ایران و تشیع، حمایت همه‌جانبه از تألیف و چاپ کتاب‌هایی در نشر اسلام راستین و ضد وهابیت، تعامل مجموعه‌های دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران با دانشگاه‌های سودان، توجه به زمان‌بر بودن فعالیت‌های فرهنگی و عدم ناامیدی از برخی ناملازمات، ایجاد و تقویت کتابخانه‌ها متعدد در سودان، بومی‌سازی فعالیت‌های شیعیان در سودان، بهره‌گیری از تجارب فعالان فرهنگی سایر کشورها در سودان به‌منظور غنی‌تر ساختن فعالیت‌های فرهنگی

ایران در سودان و نیازسنجی فرهنگی بر اساس مطالعه روان‌شناختی جدید از جامعه سودان می‌تواند در فضای نبود قطعی روابط سیاسی بین دو کشور، مورد توجه قرار گیرد.

مزیت دیپلماسی فرهنگی در این است که خود را وابسته به حضور ارتباطات دیپلماتیک نمی‌داند و در شرایط نبود روابط دیپلماتیک هم می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. هرچند روابط دیپلماتیک و حسنه بین دو کشور مسیر مبادلات فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی را هموار خواهد کرد، همان‌طور که در بخش نظری اشاره شد، با توجه به اینکه در دیپلماسی فرهنگی فرصت بهتری برای حضور جدی‌تر و مجال بیشتری برای ایفای نقش مؤثرتر توسط بازیگران غیررسمی، نهادهای مدنی و اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی مهیا می‌شود و این به نوبه خود بر گستره حوزه مانور و دامنه تأثیرگذاری دیپلماسی فرهنگی در مقایسه با دیپلماسی کلاسیک سنتی می‌افزاید. بنابراین با توجه به بسترهای موجود در سودان که مهم‌ترین آن جریان تصوف و اشتراکات فراوان آن با تشیع است، مسئولان امر باید از این پتانسیل در راستای گسترش دیپلماسی فرهنگی که می‌تواند در آینده منجر به تغییر در روابط سیاسی پیش‌آمده نیز شود، بهره‌برداری کنند و با قطع روابط دیپلماتیک، این پتانسیل عظیم مورد غفلت قرار نگیرد. در نبود جمهوری اسلامی ایران وهابیت بدون هیچ مانعی در جامعه سودان جولان خواهد داد و با توجه به مشکلاتی که در میان طرق صوفیه ایجاد شده و ناتوان بودن آنها از حضور در مقابل هجوم وهابی‌ها، این مسئله آسیب‌های جدی به سال‌ها روابط فرهنگی ایران در سودان خواهد زد.

هرچند دولت سودان به بهانه گسترش تشیع در ایران اقدام به بستن مراکز فرهنگی ایران نمود و در ادامه با فشارهای عربستان اقدام به قطع روابط با جمهوری اسلامی کرد، اما با توجه به اینکه از مزایای دیپلماسی فرهنگی این است که با مقاومت کمتر در جوامع و کشورهای مقصد مواجه می‌شود، دیپلماسی فرهنگی مدخل مناسبی برای حضور در سودان محسوب می‌شود.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ذکر شده، در یک جمع‌بندی باید گفت: سه جریان تصوف، تشیع و وهابیت را در جامعه سودان می‌توان مشاهده کرد. جریان تصوف مهم‌ترین جریان فرهنگی مذهبی موجود در سودان است که در حفظ آیین‌های تشیع نیز بسیار مؤثر بوده‌اند، به طوری که در هنگام بررسی فرهنگ شیعی در سودان باید تصوف را نیز مطالعه کرد. وهابیت به‌عنوان جریان سوم که طی سال‌های گذشته علی‌رغم موانع فرهنگی موجود در سودان، شروع به گسترش کرده است، در مقابل دو جریان فرهنگی-مذهبی تصوف و تشیع قرار می‌گیرد که چالش‌های مهمی را ایجاد کرده و در آینده نیز خطر اصلی را متوجه جامعه سودان خواهد کرد. وهابیت با بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماسی عمومی و فرهنگی و با استفاده از ثروتمندان، مدرسه، مسجد و کتابخانه می‌سازند، در روستاهای بدون آب، چاه حفر می‌کنند و به نیازهای اقتصادی مردم می‌پردازند تا آنها را به مذهب خود درآورند. آنها یک سیستم آموزشی دارند که سعی می‌کند از دوران مهد کودک تا دانشگاه، ذهن افراد را به سوی عقاید وهابی جهت‌دهی کنند تا از همان دوران کودکی خیالشان از هدایت مردم به عقاید خود آسوده باشد. با توجه به تلاش‌هایی که جریان وهابیت طی سال‌های گذشته در جامعه سودان داشته، اولین ضربه مهم خود را بر روابط سودان و جمهوری اسلامی وارد کرد و دولتمردان سودان تحت فشار عربستان و جریان وهابیت اقدام به بستن مراکز فرهنگی ایران در سودان کردند و در ادامه این فشارها منجر به قطع شدن روابط دیپلماتیک از سوی سودان شد.

با توجه به این مسئله، حضور گسترده طرق صوفیه در این کشور به‌عنوان مهم‌ترین جریان فرهنگی و اشتراکات فراوان آن با تشیع، بستر مناسبی برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این کشور فراهم آورده است و فضای فرهنگی سودان فضایی مناسب با فرهنگ تشیع و در راستای اهداف دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است و در شرایط نبود روابط دیپلماتیک، بهره‌گیری از ابزارهای شیوه‌های دیپلماسی عمومی و فرهنگی بسیار کارگشا خواهند بود. از آنجا که نفوذ بر توده‌ها به‌منظور فراهم آوردن فشار مؤثر بر دولت‌های آنها، جنبه‌ای از دیپلماسی

فرهنگی است، تصوف بستر مناسبی برای اعمال این جنبه از دیپلماسی فرهنگی می‌تواند باشد. بنابراین مقامات و نهادهای مربوط در جمهوری اسلامی باید ضمن صبر و شکیبایی در قبال برخی اقدامات دولت سودان که ناشی از فشارها و نگرانی‌های این کشور است، از زمینه‌ها و مواضع مشترک با جریان تصوف در سودان نهایت بهره را ببرند تا علاوه بر خنثی نمودن تبلیغات غربی‌ها و اقدامات ضد ایرانی برخی کشورهای عربی علیه ایران در میان مردم سودان، از این پتانسیل و زمینه‌های مشترک در گسترش و نفوذ فرهنگی نیز استفاده کند.

فهرست منابع

منابع فارسی

- آخرین توطئه وهابیت علیه محبوبیت ایران در سودان، (۱۳۸۵/۱۰/۲۵):
<http://salaf.blogfa.com/post-203.aspx>
- احمد النور، سید محمد (۱۳۸۹). «گزارشی از نقش آفرینی تصوف در محبت به اهل بیت در سودان»، نیستان ادیان و مذاهب، سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان.
- اسدی، فاطمه (۱۳۹۳). دلایل و پیامدهای کاهش سطح روابط ایران و سودان، اندیشکده راهبردی تبیین، ۹۳/۹/۴:
- <http://tabyincenter.ir/index.php/component/search/?searchword>
- امیردهی، ع. ر (۱۳۸۵). «سودان، پهناورترین کشور جهان اسلام»، اندیشه تقریب، سال دوم، شماره هفتم، تابستان.
- تقی زاده، ابا صالح (۱۳۸۷). تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سودان، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حشمت‌زاده، محمداقبر (۱۳۸۵). تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۲). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، دو فصلنامه دانش سیاسی، شماره دوم، پاییز و زمستان: ۱۴۸-۱۳۶.
- خرازی، زهرا (۱۳۸۸). «تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها»، مجله مدیریت فرهنگی، سال سوم، شماره ششم، زمستان: ۱۲۲-۱۰۷.
- دفع‌السید، شیخ احمد ادریس (۱۳۹۰). وهابیت با رشوه دادن از انتشار کتاب‌های روشنفکرانه جلوگیری می‌کنند، (۱۳۹۰/۵/۲۲):
- <http://irna.ir/NewsShow.aspx?NID=30518295>
- دهم‌رده، معصومه (۱۳۸۹). جنبش‌های اسلامی سودان، (۱۳۸۹/۸/۱۰):
- <http://geopolitical.parsiblog.com/Posts/86>
- رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی در سودان (۱۳۹۱). مشترکات و تفاوت‌های فرهنگی بین ایران و سودان، (۱۳۹۱/۴/۱۶):
- <http://www.khartoum.icro.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=201&pageid=5856>
- رمضانی گل‌افزایی، صادق (۱۳۹۰). گسترش اسلام در سودان، تهران: انتشارات الهدی.
- عشوری مقدم، محمدرضا (۱۳۸۹). تصوف و هویت سیاسی در سودان، (۱۳۸۹/۳/۲):
- <http://historicalstudies.parsiblog.com/Posts/16>
- قادری، سید نعمت‌الله (۱۳۸۷). «دارفور؛ از نزاع قبایل تا جدال قدرت‌ها»، روزنامه ایران، شماره ۴۰۲۱، ۱۳۸۷/۶/۱۸.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). «فرهنگ: بخش فراموش شده و یا عنصر ذاتی نظریه روابط بین‌الملل»، سیاست خارجی، سال ۱۹، ش ۲، تابستان.

<http://www.azahera.net/showthread.php?t=2546>

منابع لاتین

- Essien, Kwame. Falola, Toyin (2009). Culture and Customs of Sudan (Cultures and Customs of the World) , Greenwood Press .
- Fraser, Mathew, weapons of mass distraction: soft power and American empire, Thomas Dunne books, 2005 .
- Furcoi, Sorin and Naib, Fatma (2015). A Sufi In Sudan, available at: <http://interactive.aljazeera.com/aje/2015/sufi/>
- Hassan, Hussein (2008). Islam in Africa. CRS report for congress, May 9 .
- <http://www.middleeasteye.net/news/iran-saudi-arabia-jostle-influence-sudan-iranian-cultural-centre-shut-down-61716582>, 12 February 2015 .
- <http://arabic.cnn.com/middleeast/2014/09/02/sudan-close-iranian-cultural-centers>
- Lobban Fluehr, Carolyn (1990). "Islamization in Sudan: A Critical Assessment," Middle East Journal, 44, No. 4, autumn .
- Sudan History, Language and Culture (9/4/2013): <http://www.worldtravelguide.net/sudan/history-language-culture>
- Tully, Dennis (2009). Culture and Context in Sudan, Publisher: State University of New York Press Publication date: 9/30/2009 .